

«ضرر در خسارت‌های زیست محیطی»

بحث تطبیقی در فقه و حقوق ایران و فرانسه و اسناد بین‌المللی

عزیزاله فهیمی^۱

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۲

تاریخ تأیید: ۹۴/۰۲/۲۴

چکیده

برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن، زیان، زیان‌دیده و رابطه سببیت، ضروری است که از زیان در گفتمان فقه و حقوق با عنوان ضرر تعبیر شده است. مقاله حاضر به صورت تطبیقی در بحث از ضرر و مبنای آن در خسارت‌های زیست محیطی می‌پردازد. نکته اساسی آن است که خسارت زمانی محقق می‌شود که تلف یا اتلاف مال غیر به وقوع پیوندد؛ بنابراین اثبات مسئولیت مدنی در گرو اثبات مالیت مواهب طبیعی مورد تخریب است تا با آسیب به آن، ضرر تحقق یابد، پس اثبات مالیت و به تبع آن مالکیت مواهب طبیعی در مرحله آغازین گفتگو از مسئولیت مدنی در قبال آسیب‌های زیست محیطی قرار دارد. بر این اساس لازم است انواع ضرر مورد بررسی قرار گیرد و سپس با تمسک به عمومات و اطلاعات فقهی و حقوقی در حقوق داخلی و خارجی مال بودن مواهب طبیعی مورد بحث قرار گیرد؛ از جمله موارد قابل استناد در فقه فتاوی برخی فقها در احکام اسلامی است که می‌تواند مالیت مواهب طبیعی و سپس اثبات مالکیت آن برای عموم را ترسیم نماید، تا پس از تخریب بتوان حکم به مسئولیت در قبال آن داد.

واژگان کلیدی: ضرر، محیط‌زیست، خسارت، فقه، حقوق ایران، حقوق فرانسه، حقوق بین‌الملل، مالیت

مقدمه

در گفتگو از ضرر در خسارت‌های زیست محیطی لازم است برخی اصطلاحات تعریف شود و سپس در دو قسمت بحث دنبال شود. در قسمت اول انواع ضرر و شرایط ضرر قابل جبران و در قسمت دوم مالیت ضرر در مقوله محیط‌زیست مورد گفتگو قرار گیرد.

تعاریف ضرر: این واژه به معنی خلاف نفع (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۷۱۹) و ضیق (زبیدی، بی تا: ج ۳، ۳۴۹) آمده است. شاید بتوان معنی اصلی ضرر را نقص وضیق دانست؛ نقصی که بر اموال وارد می‌شود، از مصادیق ضرر است و اگر کسی عینی را از بین ببرد اضرار تلقی می‌شود و به نظر برخی از فقها، مثل مرحوم نراقی و مرحوم صاحب ریاض جلوگیری از

1. Email: aziz.fahimi@yahoo.com.

نفعی که زمینه آن به وجود آمده است، نیز ضرر است؛ به عبارت دیگر عدم نفع نیز نزد ایشان ضرر تلقی می‌گردد (مراغی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۲۰۷؛ طباطبایی، ج ۲، ۳۰۲).

خسارت: خسارت نیز به ضرر و زیان معنی شده که هم به معنی اصل زیان وارد شده، اطلاق می‌گردد و هم به مالی که برای جبران این زیان بایستی به متضرر پرداخت گردد، گفته می‌شود (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۱۸).

زیست محیطی: کلمه زیست، واژه فارسی و مترادف زندگی و حیات است؛ بنابراین منظور از آن مجموعه عواملی است که زندگی و حیات را در بر گرفته است. کلمه محیط، واژه عربی از «حوط» است و به معنای احاطه‌کننده، آن چیزی است که شیء دیگر را احاطه کرده باشد؛ در زبان عربی به اقیانوس، محیط گویند. بنابراین محیط‌زیست در برگیرنده کلیه عناصر طبیعی و انسان ساخت می‌شود که افراد انسانی و حیوانات و گیاهان را احاطه کرده و یا کلیه عوامل ملموس و غیر ملموس که چارچوبه حیات را تشکیل می‌دهند (مشهدی، ۱۳۸۹: ۲۱۱). به نظر می‌رسد، واژه محیط‌زیست با واژه زیست محیط فرقی نداشته باشد، جز این که همراهی «ی» نسبت واژه زیست محیطی امنیت به زیست مختص محیط می‌نماید.

قسمت اول: انواع ضرر و شرایط ضرر قابل جبران در بحث محیط‌زیست

۱. انواع ضرر

۱-۱. ضرر حال و آینده

همه ضررهای وارده در یک حادثه، مربوط به حال نیست، بلکه گاهی منشاء ضرر مربوط به حال و بروز ضرر مربوط به آینده است؛ برای مثال در بحث محیط‌زیست، سوراخ شدن لایه ازن مربوط به حال و بروز آسیب‌های جدی آن در آینده خواهد بود و تشخیص آن نیز به سادگی ممکن نیست. ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی در این باره می‌گوید: «اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده، در بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود، واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است.» همان طور که مشاهده می‌شود، بروز این زیان‌ها بعد از حادثه است.

ضرر آینده را نباید با ضرر احتمالی اشتباه گرفت. ضرر آینده ضرری است که عرفاً وجود و تحقق

آن در آینده حتمی و مسلم است و چنین خسارتی قابل مطالبه است (شهیدی، ۱۳۷۷: ۷۳).

۲-۱. ضرر قطعی و محتمل

در یک تقسیم‌بندی، ضرر به ضرر قطعی و محتمل تقسیم می‌شود. ضرر قطعی به طور حتم واقع می‌شود ولی ضرر احتمالی، ضرری است که احتمال و امکان تحقق آن در آینده وجود دارد، ولی به همان اندازه که احتمال تحقق آن وجود دارد، احتمال عدم آن نیز وجود دارد (باریکلو، ۱۳۸۵: ۷۱). مسئولیت عدم نفع و محروم ماندن از کار از این قسم است. البته ضرر محتمل نیز بر دو قسم است که عبارتند از: محتمل الحصول و قطعی الصدور که نوع قطعی الحصول آن، بالفعل قابل مطالبه است. در مقوله محیط‌زیست، از بین بردن مواهب طبیعی، ضررهای محتمل زیادی برای نسل‌های بعدی خواهد داشت؛ مثل سوختن بنزین که سرب فراوانی را در شهرها پراکنده می‌کند و باعث مرگ تدریجی انسان‌ها فراوانی در آینده می‌گردد.

۳-۱. ضرر مستقیم و غیر مستقیم

بسیاری از قانونگذاران بدون واسطه بودن ضرر را شرط تحقق مسئولیت مدنی می‌دانند. در قانون آیین دادرسی مدنی نیز ماده ۵۲۰ مقرر می‌دارد: «در خصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده، بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است. در غیر این صورت دادگاه دعوای مطالبه خسارت را رد خواهد کرد». ذکر کلمه بلاواسطه در این ماده شرط مذکور را به خوبی نشان می‌دهد. از جمله مواد قانونی ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری زمینی است که جبران ضرر مستقیم وارده به اشخاص ثالث را مورد تأکید قرار می‌دهد. شاید بتوان از جمله ضررهای مستقیم این مثال را زد که شخصی اتومبیل خود را در پارکینگ پارک کرده است. در اینجا متصدی پارکینگ فقط در حد معمول (قیمت اتومبیل) مسئولیت دارد نه این که مسئول اشیای قیمتی داخل اتومبیل هم باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۱۴).

۴-۱. ضرر نوعی و شخصی

در ضرر نفی شده آیا ضابطه نوعی ملاک است یا ضابطه شخصی؟ اگر ملاک ضرر نوعی باشد، در سنجش ضرر، به اوضاع و احوال شخصی که ضرر به او وارد شده توجه نمی‌شود. این بحث خصوصاً در جایی که تعارض دو ضرر مطرح می‌شود، اهمیت

می‌یابد؛ زیرا در جایی که دو ضرر تعارض می‌کنند، باید ضرر بیشتر را مدنظر قرارداد و آن را بر ضرر کمتر مقدم داشت.

در معیار نوعی، فروش کالا به زیر قیمت خرید برای خرج در هدف بزرگ‌تر ضرر تلقی نمی‌گردد؛ چون معیار در این جا مردم عادی هستند، زیان وارده به فروشنده هم قابل مطالبه نیست، برعکس اگر معیار ضرر شخصی باشد، ممکن است به صورت موردی، فروش زیر قیمت خرید برای شخص اول ضرری و برای شخص دوم غیرضرری باشد.

بر این اساس شیخ انصاری در مکاسب می‌گوید:

در مواردی که ضرر بر دو شخص مختلف وارد می‌آید، برای سنجیدن دو ضرر باید ضرر را به اعتبار هر یک از این دو شخص سنجید؛ مثلاً گاهی که امر دایر بین ضرر یک درهم و یک دینار است، چه بسا ضرر یک درهم نسبت به صاحبش از ضرر یک دینار نسبت به صاحبش بیشتر باشد و گاهی حال این دو شخص، در وقت دیگری برعکس باشد (انصاری، ۱۴۲۵: ۳۷۴). مرحوم نائینی هم می‌گوید: «با ضابطه شخصی بودن ضرر است که می‌توان گفت ضرر در مورد این فرد خاص صدق می‌کند تا مشمول لاضرر شود یا خیر» (نجفی خوانساری، ۱۴۱۸: ۲۲۰).

بدیهی است که در ضرر به محیط‌زیست، از معیار ضرر شخصی نمی‌توان استفاده کرد و باید ملاک ضرر نوعی را در نظر گرفت، زیرا مسئله محیط‌زیست و تخریب آن یک مسئله جهانی است و همان طور که در صفحات بعد مشاهده خواهیم نمود، گاهی دعاوی مربوط به آن جنبه فراملیتی می‌یابد و ملاک شخصی بودن ضرر، موجب اختلافات فراوان در محاکم خواهد شد؛ زیرا تشخیص توان افراد آن هم از ملیت‌های متعدد برای تشخیص ضرر شخصی کار را با مشکلات فراوان روبرو می‌کند.

۲. شرایط ضرر قابل جبران

۲-۱. قابلیت جبران مال

در باب مسئولیت مدنی، مهم آن است که مالی برعهده شخص قرار گیرد. پس زمانی که فردی مال غیر را تلف می‌کند، مثل یا قیمت آن برعهده تلف‌کننده قرار می‌گیرد. در گفتمان زیست محیطی در تخریب اموال مشترک، پس از قبول مالیت این مشترکات عمومی، تردید نیست که این گونه ضررها قابل مطالبه است. جزئیات این بحث را در قسمت‌های دیگر به تفصیل مطالعه خواهیم کرد اما بحث دیگری که در اینجا مطرح

می‌شود این است که آیا زبان‌های معنوی وارده به محیط‌زیست نیز قابل مطالبه و جبران مالی هستند یا خیر؟

برای مثال وقتی زیبایی یک آبشار طبیعی با مداخلهٔ افراد سودجو از بین می‌رود، آیا این گونه خسارت معنوی نیز قابل جبران به مال می‌باشد یا خیر؟ ممکن است گفته شود که اینگونه زیان‌ها با پول قابل جبران نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۲۷) و اگر پولی به منظور جبران خسارت پرداخت شود، این پرداخت، جزای خصوصی تلقی می‌شود نه جبران خسارت (همان: ۲۲۹).

اما حق این است که اولاً در مباحث زیست محیطی یکی از راه‌های مهم جبران خسارت، حکم به ترمیم است که در واقع ممکن مثل حکم به درختکاری و رفع مانع در استفاده از رودخانه و دریا، این مقصود برآورده می‌شود و در مواقعی که امکان ترمیم نیست؛ مثلاً وقتی قسمتی از کوه متلاشی شده، اگر چه جبران خسارت ممکن نیست، با اخذ خسارت مالی از عامل زیان، می‌توان تا حدی ضمن حمایت از عواطف زیان دیدگان، از تکرار آن نیز جلوگیری کرد.

قابل ذکر است که علی‌رغم وجود قانون بیان درستی در مطالبهٔ خسارت معنوی به دست نمی‌آید، قانون مسئولیت مدنی ایران مصوب سال ۱۳۳۹ در مادهٔ یک خود به صراحت مطالبهٔ خسارت معنوی را قانونی تلقی نموده است.

۲-۲. عدم تدارک ضرر

بی‌تردید نباید انتظار داشت، یک ضرر از چند طریق جبران شود و زیان دیده نمی‌تواند دو یا چند وسیلهٔ جبران ضرر را با هم جمع کند؛ بنابراین وقتی چند نفر به طور تضامنی مسئول جبران خسارتی هستند، گرفتن خسارت از یکی، دیگران را از دادن خسارت معاف می‌کند.

مادهٔ ۳۱۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر مالک تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از یکی از غاصبین بگیرد، حق رجوع به قدر مأخوذ به غاصبین را ندارد».

یا مادهٔ ۳۲۲ قانون مدنی در این باره می‌گوید: «ابراهیم ذمهٔ یکی از غاصبین نسبت به منافع زمان تصرف او موجب ابراء ذمهٔ دیگران از حصهٔ آنها نخواهد بود، لیکن اگر یکی از غاصبین را نسبت به منافع ابراء کند، حق رجوع به لاحقین را نخواهد داشت».

در تخریب محیط‌زیست نیز پس از اثبات مسئولیت، خواننده ملزم به جبران ضرر

جبران نشده است؛ بنابراین اگر از او غرامت گرفته شود، صدور حکم به ترمیم، دیگر جایگاهی ندارد.

۳-۲. قابل پیش‌بینی بودن ضرر

از آنجا که مسئولیت مدنی ممکن است به دنبال قرارداد محقق شود و یا در پی یک واقعه حقوقی به وجود آید، قابل پیش‌بینی بودن ضرر در بحث مسئولیت قراردادی مطرح می‌شود (باریکلو، ۱۳۸۵: ۷۸). قابل ذکر است که مسئولیت مدنی به معنی اعم هم شامل مسئولیت قراردادی است و هم شامل مسئولیت غیر قراردادی است که برخی از حقوقدانان نیز منکر اجرای آن حتی در مسئولیت قراردادی هستند (احمد سراج، ۱۴۱۰: ۱۰۶). در بحث محیط‌زیست که عمده تخریب‌ها به صورت غیر قراردادی صورت می‌گیرد، قابل پیش‌بینی بودن ضرر چندان کاربردی ندارد و ادعای این که قابل پیش‌بینی بودن ضرر در مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی به طور یکسان اجرا می‌شود، به سادگی قابل اثبات نیست. در حقوق ایران این شرط را می‌توان از ماده ۵۲۱ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲. استنباط نمود.

این شرط را از سخن برخی از فقها نیز می‌توان استفاده کرد. مرحوم محقق کرکی در بحث تلف می‌گوید: «اذا كان السبب مما كان يتوقع معه علة التلف بان يكون جودها معه كثيراً (کرکی، ۱۴۰۸: ج ۶، ۲۰۶): مسئولیت زمانی متوجه تلف است که وقوع تلف موقع تحقق آن سبب قابل پیش‌بینی باشد». مرحوم صاحب جوهرالکلام نیز شرط تحقق آن را قابل پیش‌بینی بودن ضرر می‌داند (نجفی، بی‌تا: ج ۳۷، ۵۹).

۴-۲. شخصی بودن ضرر

وقتی ضرر متوجه شخص خاصی باشد، کار زیاد مشکل نیست؛ ولی وقتی ضرر متوجه یک جمع باشد و نشود فرد خاصی را متضرر از آن عمل زیان بار دانست، کار مشکل‌تر است؛ برای مثال اگر یک وکیل یا پزشک با عمل ناشایست خود موجب بدنامی جامعه و کیلان یا پزشکان شود، در اینجا کسی خود را زیان دیده اصلی نمی‌داند تا اقامه دعوی نماید. پس چه باید کرد؟ آیا چنین خسارتی قابل مطالبه است و اگر قابل مطالبه است، چه مقامی حق طرح دعوی دارد؟ آیا چنین زبانی را به صورت دسته‌جمعی هم می‌توان مطالبه کرد؟ آیا جمعی که دارای شخصیت حقوقی است، چنین دعوایی را می‌تواند اقامه کند یا خیر؟

در مورد این که ضرر باید مربوط به شخص باشد نه عموم، تا قابل مطالبه باشد، خواهیم گفت

که این مینا پذیرفته ما نیست؛ زیرا بنابر این که برای پاره‌ای اموال و اشخاص معتقد به شخصیت حقوقی باشیم، تفاوت نمی‌کند که ضرر مربوط به شخص باشد یا عموم. به علاوه در بحث تخریب محیط‌زیست، بحث عمده ما دربارهٔ زیان رسیده به عموم است که باید پیگیری شود.

قسمت دوم: مالیت مواهب طبیعی در ضرر

برای وقوع ضرر باید شیء تلف شده، مال باشد تا با تلف آن اتلاف مال غیر محقق شود. حال، پرسش اینجاست که آیا تخریب محیط‌زیست که از مشترکات عمومی است، تخریب مال محسوب می‌شود تا با تلف آن مسئولیت مدنی محقق شود یا خیر؟ در این مورد دو نوع اظهار نظر صورت گرفته است: موافق و مخالف. اکنون به صورت تطبیقی این مطلب را بررسی می‌کنیم.

۱. در حقوق ایران

برداشت از مباحث انفال قرآن کریم (انفال، ۱) آن است که مشترکات عمومی تعلق به رسول خدا و پس از ایشان در اختیار ائمهٔ معصومین: و در زمان غیبت ولی عصر [در اختیار زمامدار اسلامی است و زمامدار اسلامی نیز با تنظیم قواعد و مقررات لازم‌الاجرائی مثل تقسیم زمین‌های بایر و حدود استفاده و عمران آنها، اجازهٔ استفاده از این مشترکات عمومی را به افراد می‌دهد ولی بدون اجازهٔ حکومت اسلامی، این گونه تصرفات جایز نیست. بعضی از مجوزات نیز عام است، مثل استفادهٔ عموم از پارک جنگلی و اماکن عبادی و غیره که باید با رعایت مقررات و بدون سوءاستفاده و تخریب آنها باشد و چون این مشترکات در مرتبهٔ اول مال امام معصوم ۷ و در مرتبهٔ دوم در اختیار حکومت اسلامی است، هرگونه از بین بردن و تخریب جنگل‌ها، سواحل رودخانه‌ها و دریاها و آلوده کردن رودخانه‌ها و چشمه‌ها و آب‌های عمومی و آلوده کردن هوا و تخریب خاک نیز اتلاف تلقی شده و موجب مسئولیت مدنی است.

اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با آگاهی به این مسئلهٔ مهم چنین مقرر می‌دارد: «دولت موظف است، ثروت‌های ناشی از سوءاستفاده از موقوفات و فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن مالک، آن را به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیلهٔ دولت اجرا شود.»

اصل ۵۰ همین قانون نیز به صورت خاص مسئلهٔ محیط‌زیست را مطرح و چنین بیان کرده است: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات

اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد؛ از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با الودگی محیط‌زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا می‌کند، ممنوع است.»

بنابراین دو اصل می‌توان گفت که از جمله مشترکات مادی، همین موقوفات و زمین‌های موات و مباحات اصلی (مشترکات عمومی) است که استفاده از آن تا حدودی مجاز، ولی سوءاستفاده از این ثروت، غیر مشروع تلقی شده است.

مراد از عبارت «ثروت ناشی از سوءاستفاده»، تملک غیر مجاز است و تا این مشترکات مال نباشند، بحث تملک و مالکیت مطرح نمی‌شود. اصول بالا مخالفتی با استفاده مجاز از این مشترکات، اعم از تملک مجاز یا استفاده و انتفاع مجاز ندارد.

جهت یادآوری، ماده ۱۴۰ ق.م. در پی می‌آید:

«تملك حاصل می‌شود:

۱. به احیای اراضی موات و حیزات اشیای مباحه؛

۲. به وسیله عقود و تعهدات؛

۳. به وسیله اخذ به شفعه؛

۴. به ارث.»

بنابراین ماده، احیای اراضی موات و حیزات اشیای مباحه از اسباب تملک شمرده شده است که ملک بودن این مشترکات را ثابت می‌کند. وانگهی طریق تملک آن را اصولی مثل اصل ۴۹ و ۵۰ قانون اساسی که برگرفته از فقه امامیه و مسلمات حقوق اسلامی است، تعیین می‌نماید. در توضیح بیشتر باید گفت فرق مباحات با مشترکات عمومی آن است که مشترکات عمومی مثل میادین و خیابان‌ها توسط هیچ کس قابل تملک نیست ولی مباحات اموال عموم مردم هستند که شارع اجازه داده است افراد با حیزات آنها مالک آنها بشوند بنابراین قبل از حیزات هم مالیت دارند ولی مال فرد مشخصی نیست؛ بر همین اساس زیان به آن و از حیث انتفاع انداختن آنها به صورت غیر متعارف زیان به اموال عمومی تلقی شده و نیز قابل مطالبه است.

۲. در حقوق فرانسه

محیط‌زیست جهانی متعلق به تک‌تک افراد بشر است. بعضی از حقوقدانان معتقدند که هر فردی می‌تواند علیه خسارت زیست محیطی اقامه دعوی کند و این حق مثل حق مالکیت و اهلیت برای تک‌تک افراد محترم است (Priour, 1994: 917).

پروفسور کاربونیه^۱ از حقوقدانان معروف فرانسوی در همین باره اعلام می‌دارد که هر فردی دارای یک حق شخصی نسبت به پاکی محیطزیست است.

پروفسور جی. مارتین^۲ با گام نهادن در مسیری متعارف سفارش می‌کند که به هر کس حق حفاظت از اموال محیطزیست را بدهند. او معتقد بوده که تا زمان وی از اموال عمومی^۳ غفلت شده و در این باره می‌گوید: «دارندگان حق شخصی، می‌توانند شاهد حفاظت از امتیازاتشان به طور خودکار براساس الگوی حقوق مشهور به حقوق نقض‌ناپذیر از قبیل حق مالکیت یا حقوق اهلیت باشند»^۴.

آخرین مصوبه‌ای که در کشور فرانسه در مورد محیطزیست به تصویب رسیده، کد قانونی محیطزیست فرانسه در سال ۲۰۰۸ میلادی است که ماده ۱۱۰/۱ این قانون بیان می‌دارد: «فضاهای منابع طبیعی، سایت‌ها و مناظر، کیفیت هوا، گونه‌های جانوری و گیاهی، تنوع و توازن زیستی و دیگر عناصر آن بخشی از میراث مشترک بشریت محسوب می‌گردد».

بنابراین قانون فرانسه به مشترکات عمومی اهمیت ویژه‌ای داده و آنها را جزو میراث مشترک بشر محسوب نموده است؛ به عبارت دیگر، مالیت این عناصر را متعلق به عموم مردم جهان دانسته است.

۳. در اسناد بین‌المللی

در حقوق بین‌الملل مناطق یا منابعی معین، قلمروهای آزاد یا مشترکات عمومی شناخته شده‌اند؛ مثل دریای آزاد و فضای ماورای آن، بستر و زیر بستر دریاهای واقع در خارج از حیطه صلاحیت ملی حاکمیت سرزمینی دولت‌ها، فضای ماورای جو و اجرام آسمانی که تحولات اجتماعی و اقتصادی ممنوعیت آلودگی فرامرزی، این قلمروها را نیز که تحت حاکمیت هیچ کشوری نیستند، در بر گرفته است (Sovazzi, 1995: 22).

بنابراین اصل تساوی دولت‌ها که در بند ۱ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد بیان شده، دولت‌ها باید به طور منصفانه‌ای از محیطزیست استفاده کنند، به گونه‌ای که برای تمام کشورها فرصت استفاده یکسان فراهم آید.

1. Carbonnier.

2. G. Martin.

3. Res_communes.

4. Libid; Allant dans une direction quelque peu differente. G. Marin preconise de donne chacun le droit de proteger les biens-cnvronnement en lui reconnaissant un droit subjecti de penvironnement permettant la protection efficace des ele ments du milieu.

برخی از نویسندگان در اعمال اصل مذکور منع سوءاستفاده از حق را در زمینه اموال عمومی نیز کاربردی دانسته‌اند و برخی این حق را فقط در اموال شخصی و نه عمومی، قابل اعمال دانسته‌اند (Brine, 1997: 157).

طبق کنوانسیون ۱۹۶۹ و اصلاحیه‌های بعدی آن، هیچ دعوایی علیه تخریب مشترکات عمومی اقامه‌پذیر نیست، ولی طبق بند ۳ ماده ۴۰ طرح پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل به نظر می‌رسد که چنین حقی برای تمام دولت‌های عضو کمیسیون یاد شده، وجود داشته باشد که اگر در محلی آسیبی به محیط‌زیست عمومی وارد آید، علیه دولت دیگر اقامه دعوی نماید. در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر از جمله در پیش‌نویس طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۲ در ماده ۱۵ چنین ذکر شده است: «دولت‌های عضو، متعهد می‌گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی صدمه وارد کند» (Kiss and Shelton, 2004: 377).

همچنین منشور جهانی طبیعت، اصول ۱۴ تا ۲۴ خود را به گونه‌ای برای به کار بستن و اجرای اصول مربوط به دارا بودن حق بر محیط‌زیست و حفاظت از آن اختصاص داده است. همچنین مواد ۱ تا ۱۰ اعلامیه جهانی ریو در بر دارنده مطالبی مانند نکته بالا هستند و چنین بیان می‌کند: «انسان با محیط‌زیست خود در حال مقابله نیست، بلکه به آن تعلق دارد» (Agoya, 1999: 84-198).

بدیهی‌ترین حق انسانی یعنی حق حیات حکم می‌کند:

هر دولتی باید حیات اجتماعی را چنان سازمان دهد تا تضمینی برای حفظ مبانی و پایه‌های طبیعی حیات باشد؛ از این رو این مسئله که ما در قبال نسل‌های آینده مسئول هستیم. در وهله اول متوجه دولت است و آن را ملزم می‌داند تا با اتخاذ سیاستی در سطح ملی و بین‌المللی، این مسئولیت را اجابت نماید (L. Gulding, 1987: 212).

طبق ماده ۱۷۴ دستورالعمل ۲۰۰۴ اتحادیه اروپایی نیز بهره‌برداران اشخاص (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) که از فعالیت آنها خسارت زیست محیطی حاصل می‌شود، مسئول هستند و باید آلوده‌کننده، خسارت بپردازد و دولت‌های عضو موظف شده‌اند که در سال ۲۰۰۷ این اصل را در قانون ملی خودشان اعمال نمایند.

۴. در فقه

از ارکان تحقق ضرر، آن است که موضوع ضرر مالیت داشته و زیان به مال غیر وارد شود،

اکنون چند آیه و روایت را در این مورد مطرح می‌کنیم.

اولاً: آیات فراوانی وجود دارد که مواهب طبیعی را از آن همه انسان‌ها به طریق اعم و متعلق به مسلمانان به طور اخص می‌داند. بعضی از این آیات در ذیل می‌آید:

{هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا}؛ پروردگار تو کسی است که آن چه را در زمین است برای شما آفرید» (بقره، ۲۹)

{وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلُكَ...}؛ و کشتی‌ها را برای شما مسخر گردانید» (ابراهیم، ۳۲).

{وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ...}؛ و برای شما نهرها را مسخر گردانید» (ابراهیم، ۳۲).

{سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ...}؛ و برای شما دریا را مسخر گردانید» (جاثیه، ۱۲).

{وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...}؛ و برای شما خورشید و ماه را مسخر گردانید»

(ابراهیم، ۳۳).

درباره معنای لام در «لکم» - در این آیات - می‌توان گفت که لام یا برای اختصاص است،

یعنی مختص شما گردانید و یا برای ملکیت است، یعنی به تملک شما در آورد.

صاحب تفسیر مجمع البیان در توضیح لام در آیه {هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي

الْأَرْضِ جَمِيعًا}، لام را «لجله» بر شمرده، یعنی برای شما (طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۱، ۷۱؛ مکارم،

۱۳۷۹: ج ۱، ۱۶۳) و همین معنا در تفسیر نمونه نیز در نظر گرفته شده است.

گرچه ابن هشام در معنی اللیب در مثل آیه {لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ} (ابن هشام، ۱۴۰۴: ۲۰۸) لام را برای ملکیت شمرده است (همان) و در مثال

«الجنة للمؤمنين»، لام را برای اختصاص ذکر کرده (همان) و مرحوم علامه طباطبایی لام در «خلق

لکم» را برای تصرف ذکر نموده است، صاحب مجمع البیان به صورت صریح در آیه {... مِنْ

الْتَمْرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ...} (بقره، ۲۲) لام را چنین معنا کرده است: «ای عطاء لکم و

ملکاً لکم» (طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۱، ۶۰).

از مجموع این اقوال می‌توان گفت لام چه برای ملکیت باشد یا اختصاص، مالیت را می‌توان

از آن استفاده کرد و تخریب آن، تخریب مال محسوب می‌شود و موجب ضمان است.

ثانیاً: روایات رسیده از معصومان: بر مالیت داشتن مواهب طبیعی و تملک آنها توسط عموم

یا افراد خاص دلالت می‌کند؛

رسول خدا ۹ دستور داده‌اند که از زمین به عنوان اصلی‌ترین عنصر محیط‌زیست مواظبت شود:

«مَحْفُظُوا الْأَرْضَ فَإِنَّهَا أَمْكُم»؛ از زمین مراقبت کنید که مادر شما محسوب

می‌گردد» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۶۳: ۶۶۲).

در باب صید، از آنجا که صید در اندازه ضرورت مجاز دانسته شده و غیر ضروری آن تجاوز به حریم عمومی و اتلاف اموال عمومی است، حکم تکلیفی کامل بودن نماز، برای صیاد مسافر را ذکر نموده‌اند. نماز در سفر قصیر و به اصطلاح شکسته است اما چون سفر صیاد برای شکاری که جنبه تفریحی دارد، سفر حرام دانسته شده است، نماز چنین صیاد مسافری به جای شکسته بودن باید به طور کامل ادا شود بر این اساس راوی از امام صادق ع حکم نماز چنین صیادی را پرسید که امام فرمودند: «یتم لانه لیس بمسیر حق» نماز را تمام بخواند؛ چون سفرش در مسیر حق نبوده است» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۴، باب ۹).

یعنی نماز مسافر به صورت قاعده کلی شکسته است، ولی به دلیل غیر حق بودن صید، صیاد باید نمازش را کامل بخواند.

از امام باقر ع نیز نقل شده است که اگر صیاد برای شکار تفریحی (نه برای رفع نیاز) به شکار رود، نمازش تمام است؛ چون سفر، برای معصیت بوده است: «انما خرج فی لهو لا یقصر: به راستی که برای سفر لهو از شهر خارج شده و نمازش تمام است» (همان: ج ۴، باب ۸).

گفتنی است تملک شکار باید مجاز باشد؛ یعنی باید برای رفع نیاز زندگی، شکار کرد، نه برای تفریح؛ بنابراین حرمت عمل صید، حرمت سفر و تمام بودن نماز را به دنبال دارد. عده‌ای از فقیهان نیز استدلال کرده‌اند که ضمان به معنای برعهده داشتن چیزی به نفع غیر است و این مفهوم در موضوع مشترکات عمومی صادق نیست؛ یعنی باید چیزی برعهده مخرب بیاید تا بتوان او را ضامن تلقی کرد. این گروه می‌گویند باید کسی مال دیگری را تلف کند تا ضامن آن باشد؛ امادر اینجا مال دیگری صدق نمی‌کند؛ مانند وقف که عام المنفعه است و مال غیر بر آن صدق نمی‌کند. همچنین همان گونه که برده پس از آزاد شدن ملک کسی نیست. اموال مشترک و موقوف نیز ملک کسی نیست که صدق مال غیر محقق شود؛ بنابراین اگر کسی مسجد یا زمین آن را خراب کند، هر چند مرتکب گناه شده، مسئولیت مدنی ندارد (غروی تبریزی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۷۲).

اما مواردی در گفتار فقها وجود دارد که با استناد به آن، مالیت مشترکات عمومی و مظاهر محیط‌زیست را می‌توان استخراج نمود؛ زیرا تعلق این مشترکات به عموم مردم مسلم است و چنانچه مالیت آن ثابت شود، می‌توان اثبات نمود که زیان به مال غیر که از ارکان مسئولیت مدنی

است محقق شده است؛ برای مثال شهید صدر در شرح العروة الوثقی در مورد کسی که اقدام به نجس نمودن مسجد یا قرآن متعلق به عموم نماید، حکم تکلیفی او را وجوب تطهیر مسجد و قرآن می‌داند و در این راستا، چنانچه هنگام تطهیر، آسیبی به مسجد یا قرآن وارد شود، به عنوان حکم وضعی نجس‌کننده را ضامن می‌داند تا برای جبران خسارت، هزینه زیان وارده را بپردازد.

متن مسئله ۲۸ العروة الوثقی چنین است:

«وجوب تطهیر المصحف کفایی ولا یختص بمن نجسه اذا لم یکن لغيره و ان صار هو سبب للتکلیف بصرف المال و... قبل باختصاص الوجوب به و یجبره الحاکم علیه لو امتنع او یستأجر آخر ولكن یاخذ الاجره منه؛ تطهیر قرآنی که نجس شده، واجب کفایی است و مختص کسی نیست که آن را نجس کرده است، هر چند تکلیف خرج مال برای تطهیر برعهده عامل نجاست است. پس هر مسلمانی وظیفه تطهیر آن را دارد و گفته شده که وجوب تطهیر بر کسی است که قرآن را نجس کرده است و چنانچه آن فرد امتناع کند، حاکم او را مجبور به تطهیر می‌نماید یا کسی را می‌گمارد که با هزینه آن فرد نجس‌کننده، به تطهیر قرآن بپردازد.

شهید صدر در حاشیه بر این مسئله دو نکته را یادآوری فرموده است:

نکته اول: وظیفه تطهیر قرآن همان طور که در تطهیر مسجد نیز چنین است، بر همگان است و در مورد چرایی خطاب به فرد نجس‌کننده، می‌گوید به دلیل اسناد نجاست به اوست.

نکته دوم: چنانچه تطهیر نیاز به صرف هزینه داشته باشد، همان طور که در بحث تطهیر مسجد گذشت، این وجوب نیز بر نجس‌کننده است (صدر، ۱۴۰۸: ج ۳ و ۴، ۳۲۶).

قابل ذکر است که مسجد جزء اموال عمومی است و نجس کردن آن نوعی تخریب محسوب می‌گردد؛ زیرا در تعریف زیان از قول امثال مرحوم نراقی بیان نمودیم که جلوگیری از نفع نیز زیان تلقی می‌گردد؛ چون قسمت نجس شده مسجد شرط طهارت را ندارد و قابلیت استفاده نخواهد داشت و حکم به تأمین هزینه تطهیر علیه عامل زیان (نجس‌کننده) نشانگر حکم وضعی ضمان است که می‌توان تنقیح مناط نمود و در جاهای دیگر نیز از آن بهره برد.^۱

اقوال دیگری نیز در این زمینه قابل استنادند، از جمله در مورد مالکیت زمین و حیوان،

۱. الثاني: «في وجوب صرف المال لو تطلب تطهیر المصحف ذلك و قد تقدم نظيره في احكام تطهیر المسجد و الكلام متقارب» (سیدمحمدباقر صدر، بحوث في شرح العروة الوثقی، ج ۳ و ۴، ص ۳۲۶).

مالکیت شخص بر زمین تا آنگاه است که آن را دایر نگاه دارد و بنابر بعضی اقوال چنانچه پس از احیای زمین آن را رها کند و کشت و زرع نکند، از مالکیت او خارج می‌شود.

علت صدور این حکم از آن رواست که زمین مال عموم است و نمی‌شود آن را معطل گذاشت. مالکیت حیوانات نیز تا جایی است که به حیوان رسیدگی شود و اگر حیوانات گرسنه نگه داشته شوند، حاکم شرع مالک را مجبور می‌کند که به حیوان رسیدگی کند، وگرنه طبق مصلحت با او عمل خواهد کرد.

از مجموع این اقوال به دست می‌آید که مشترکات عمومی، مال محسوب می‌شوند و پس از اختصاص یافتن به افراد نیز استفاده از آن شروطی دارد؛ بنابراین محیط‌زیست نیز متعلق به عموم و جزو مواردی است که مقررات اجازه تملک آنها را به افراد می‌دهد، و مالکیت آن بین همه انسان‌ها مشترک است؛ البته تملک آن دائمی نیست و ولی امر مسلمانان می‌تواند قیودی در چنین مالکیت‌هایی ایجاد نماید.

نتیجه

زیان به محیط‌زیست ممکن است زیان مادی باشد یا معنوی، جوان بودن مباحث زیست محیطی هنوز به جبران زیان‌های معنوی نپرداخته است گرچه این زیان نیز زیان کمی نیست و حقوق آیندگان را تزییع می‌نماید ولی در بعد مادی زیان‌های بالفعل و آئنده تحقق مسئولیت مدنی را کامل می‌نماید در این مقاله تلاش شد که مال بودن مواهب طبیعی اثبات گردد تا حلقه سه‌گانه زیان و زیان‌دیده و رابطه سببیت کامل گردد و استفاده از مبانی حقوقی و فقهی این حلقه را تکمیل می‌نماید.

منابع

الف- فارسی

۱. اسماعیلی، محسن؛ *نظریه خسارت*، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۲. باریکلو، علیرضا؛ *مسئولیت مدنی*، ج ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
۳. *برنامه ساختاری و مالی ناظر بر همکاری در حوزه محیط‌زیست سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۷۲*، معروف به UNEP.
۴. پاینده، ابوالقاسم؛ *نهج‌الفصاحه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۵. شهیدی، مهدی؛ *آثار قراردادهای و تعهدات*، ج ۱، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۷.

۶. فریدتنکابنی، مرتضی؛ *نهج الفصاحة*، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، سال ۱۳۷۹.
۷. کاتوزیان، ناصر؛ *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
۸. کیس، الکساندر و دیگران؛ *حقوق محیط زیست*، ترجمه: محمدحسن حبیبی، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

ب- عربی

۹. ابن هشام، ابی محمد بن عبدالله؛ *معنی اللیبیب*، ج ۱، قم، منشورات مکتبه آیةالله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴هـ ق.
۱۰. انصاری، مرتضی ابن امین؛ *کتاب المکاسب*، لجنه تحقیق تراث الشیخ الاعظم، ج ۹، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۵هـ ق.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ *الصحاح*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، ج ۴، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷هـ ق.
۱۲. حسینی مراغی، سیدمیر عبدالفتاح؛ *العناوین الفقهیه*، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷هـ ق.
۱۳. زبیدی، محمدتقی؛ *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۱، بیروت، مکتبه الاحیاء، بی تا.
۱۴. صدر، سیدمحمدباقر؛ *بحوث فی شرح العروة الوثقی*، ج ۳، ۴، ۱، نجف، مجمع الشهدید الصدر العلمی، ۱۴۰۸هـ ق.
۱۵. طباطبایی، سیدعلی؛ *ریاض المسائل*، ج ۲، نشر آل البیت، سال ۱۴۰۴.
۱۶. طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم؛ *عروة الوثقی با حاشیه اعظام*، ج ۴، ج ۱، قم، میثم تمار، ۱۴۲۷هـ ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان*، ج ۶، ج ۲، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸هـ ق.
۱۸. غروی تبریزی، علی؛ *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، تقریرات اباحت آیتالله العظمی خویی، ج ۲، ۱۴۱۰هـ ق.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ *تفسیر نمونه*، ج ۱، قم، مدرسه امیرالمؤمنین، ۱۳۷۹.
۲۰. موسوی خمینی، سیدروح الله (امام خمینی)؛ *کتاب البیع*، نشر اسماعیلیان، سال ۱۴۱۰.
۲۱. موسوی خویی، سیدابوالقاسم؛ *مصباح الفقاهه*، ج ۲، تقریر محمدعلی توحیدی، نشر انصاریان، سال ۱۴۱۷.
۲۲. نجفی خوانساری، موسی؛ *منبیه الطالب فی شرح المکاسب*، ج ۱، ج ۱، تهران، نشر اسلامی، ۱۴۱۸هـ ق.

ج- لاتین

23. Agoya, what obligation does our generation own to the neat vol, 84, p. 198.
24. Carbonnier, Jean, Droit Civil TII 1962, paris EditionRevisec.
25. Carbonnier.
26. G. Martin, Hallegaeff, "maree rouge" Bulletin trimestriel, 2006.
27. G. Martin.
28. Kiss, A. and shelton, D. International Environmental law transnational public shers inc. 1991.
29. L. Gulding, our respon sibility to future Genenation.
30. Libid; Allant dans une direction qeulque peu differente. G. marin preconise de donne chaun le drouit de proteger les bienc – Cnvironement en lui reconnaissant un droit subjecti de penvironnement permettant la protection efficace des ele ments du milieu.
31. Prieur, Michel vers un droit de L'environnement Renouvele 11 jun 2008.
32. Prieur, Michel, Droit de L'environmment, 3 edition, paris Dalloz, 1994.
33. Res communes.